

سُورَةُ الْجِنِّ ٧٢

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام یگانه خدای جهان که بخشایش و مهر او بی‌کران
قُلْ أُوحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِّنَ الْجِنِّ فَقَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا قُرْآنًا عَجَبًا
﴿١﴾

رسولا! بگو وحی گشته چنین گروه‌هایی از جن، همه اجمعین
فرا داده گوش خود اندر نهان به سمع سخن‌ها و آیاتمان
بگفتند با خود، که یاللعجب شنیدیم قرآن، که باشد ز رب
يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ فَآمَنَّا بِهِ وَلَنْ نُشْرِكَ بِرَبِّنَا أَحَدًا
﴿٢﴾

هدایت ببخشد، بی‌کم و کاست همه خلق عالم بر آن راه راست
پس آریم ایمان به آن لم‌یلد نگیریم شریکی به ربِّ احد
وَأَنَّهُ تَعَالَىٰ جَدُّ رَبِّنَا مَا اتَّخَذَ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا
﴿٣﴾

بلی! ربِّ ما برتر است بالیقین که بنماید او اختیاری چنین
ز همسر و فرزند اندر جهان مبرّی بود ذاتِ او بی‌گمان
وَأَنَّهُ كَانَ يَقُولُ سَفِيهُنَا عَلَى اللَّهِ شَطَطًا

و اما سفیهانی از جمع ما زدند افتراها به ذاتِ خدا
وَأَنَا ظَنَنَّا أَنْ لَنْ تَقُولَ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا

و ما را گمان بوده است این چنین که آدم و جن، جملگی اجمعین
نبندند دروغی و هیچ افترا به ذاتِ احد، آن یگانه خدا
وَأَنَّهُ كَانَ رِجَالٌ مِنَ الْإِنْسِ يَعُوذُونَ بِرِجَالٍ مِنَ الْجِنِّ فَزَادُوهُمْ رَهَقًا

گروهی ز مردان ز جنس بشر پناه برده بر جنیان سربه سر
و عاید نگشت حاصلی بهرشان جز آنکه بگشته فزون جهلشان
وَأَنَّهُمْ ظَنُّوا كَمَا ظَنَنْتُمْ أَنْ لَنْ يَبْعَثَ اللَّهُ أَحَدًا

به ظنّ غلط جمله پنداشتند به مثلِ شما بر خطا گفته اند
که هرگز کسی را خدا در جهان ز بعثت دوباره نبخشیده جان
وَأَنَا لَمَسْنَا السَّمَاءَ فَوَجَدْنَاهَا مُلِئَتْ حَرَسًا شَدِيدًا وَشُهَبًا

و ما درنور دیده ایم آسمان نگهبان بدیدیم بسی بی کران
محافظ و حارس به جهد و شتاب مجهّز همه نیز به تیرِ شهاب
وَأَنَا كُنَّا نَقْعُدُ مِنْهَا مَقَاعِدَ لِلسَّمْعِ فَمَنْ يَسْتَمِعِ الْآنَ يَجِدْ لَهُ شِهَابًا رَصَدًا

برای شنیدن نمودیم کمین که بلکه بیابیم ز وحی‌اش یقین
ولیکن به سمع، استراق هر که کرد شهابی بر او می‌رسد بر نبرد
وَأَنَا لَا نَدْرِي أَشَرٌّ أُرِيدَ بِمَنْ فِي الْأَرْضِ أَمْ أَرَادَ بِهِمْ رَبُّهُمْ رَشَدًا

ندانیم، چه سرّی بود مستتر که خواهد بگردد عیان بر بشر
بیاید، سرّی به روی زمین؟ که باشد فراگیر همی اجمعین؟
و یا آنکه خواسته خداوندشان؟ هدایت ببخشد بر آن جمعیان؟
وَأَنَا مِنَ الصَّالِحِينَ وَمِنَّا دُونَ ذَلِكَ طَائِفَةٌ قَدْ دَا

گروهی ز ما بوده از صالحان گروهی دگر جمله از غافلان
تفاوت بود بین حق و خلاف از این رو بود بین ما اختلاف
وَأَنَا ظَنَنَّا أَنْ لَنْ نُعْجِزَ اللَّهَ فِي الْأَرْضِ وَلَنْ نُعْجِزَهُ هَرَبًا

بدانیم نداریم توان ما یقین که غالب بیابیم به رب در زمین
و یا گشته پیروز بر ذاتِ هو گریزیم ز حق، عاجز آریم او
وَأَنَا لَمَّا سَمِعْنَا الْهُدَىٰ آمَنَّا بِهِ طَفْمَنُ يُؤْمِنُ بِرَبِّهِ فَلَا يَخَافُ بَخْسًا وَلَا رَهَقًا

شنیدیم تا ما، از آیاتِ ناب بیافتیم هدایت همی از کتاب

هر آن کس که ایمان بیارد به رب نه خوفی ببیند نه حزن و تعب
 نترسد ز نقصان به راهِ صواب هراسی ندارد هم، او از عقاب
 وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمُونَ وَمِنَّا الْقَاسِطُونَ فَمَنْ أَسْلَمَ فَأُولَئِكَ تَحَرَّوْا رَشَدًا

﴿۱۴﴾

گروهی ز ما نیز فرمانبرند مسلمان و پیرو، ز امر حقند
 گروهی دگر لیک بس جاهلند ستمگر و از راه حق غافلند
 هر آن کس که گردن نهاده به حق ره راست باشد بر او منطبق
 وَأَمَّا الْقَاسِطُونَ فَكَانُوا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا

﴿۱۵﴾

یقیناً ستمکارِ پست، آن لئیم شود هیزم و هیمه، قعرِ جحیم
 وَأَنْ لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا

﴿۱۶﴾

ولی گر بپویند در راهِ راست شوند استوار نیز، بی‌کم و کاست
 دهیم آبشان ما ز شربِ یقین بگردند سیراب همه اجمعین
 لَنُفْتِنَهُمْ فِيهِ ۚ وَمَنْ يُعْرِضْ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِ يَسْلُكْهُ عَذَابًا صَعَدًا

﴿۱۷﴾

و این موهبت‌ها که دادیمشان بود امتحانی همه بهرشان
 هر آن کس بتافت روی از کردگار به راه خطا رفته در روزگار
 خدایش چشاند بر او بس عقاب معذب نماید ورا در عذاب
 وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا

یقیناً مساجد برای خداست کسی دیگری را نخوان، که خطاست
وَأَنَّهُ لَمَّا قَامَ عَبْدُ اللَّهِ يَدْعُوهُ كَادُوا يَكُونُونَ عَلَيْهِ لِبَدًا

چو برپا بشد بر طلب سوی ما همان بنده‌ی حق و آن رهنما
بکردند همه دور او ازدحام به پیرامنش جمع گشته تمام
بسی محتمل بود از بیش و کم ز این سان تهاجم بریزند به هم
قُلْ إِنَّمَا أَدْعُوا رَبِّي وَلَا أَشْرِكُ بِهِ أَحَدًا

بگو، که بخوانم در این روزگار فقط ربّ خود را خداوندگار
نگیرم شریکی به ذات احد خداوند واحد همان لم یلد
قُلْ إِنِّي لَا أُمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا رَشَدًا

بگو، مر شما را نه من مالکم ز سود و زیان و ز بیش و ز کم
نه هرگز توانم، دهم گمرهی نه قادر بوم بر هدایت همی
قُلْ إِنِّي لَنْ يُجِيرَنِي مِنَ اللَّهِ أَحَدٌ وَلَنْ أَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَدًا

بگو که مرا کسی نبخشد پناه اگر خشمی آید به من از اله
نیابم رهی بر فلاح و فرار به جز درگه ذات پروردگار
إِلَّا بِلَاغًا مِنَ اللَّهِ وَرِسَالَاتِهِ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا أَبَدًا

نباشد مرا هیچ نظر هیچ‌گاه جز ابلاغِ آیاتِ ذاتِ اله
هر آن کس بخواهد نماید عدول ز آیاتِ حق و بیانِ رسول
رود او جهنّم به نارِ گران در آنجا بماند همی جاودان
حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ أَضْعَفُ نَاصِرًا وَأَقْلُ عَدَدًا

به وقتی که بینند بسی آشکار که شد موعِدِ وعده‌ی کردگار
بینند چه کس ناتوان و خفیف و ناصر ندارد، مگر که ضعیف
و یارِ کدامیک ز حیثِ شمار بگردیده کمتر و یا آنکه خوار
قُلْ إِنْ أَدْرَىٰ أَقْرَبٌ مَّا تُوعَدُونَ أَمْ يَجْعَلُ لَهُ رَبِّي أَمَدًا

بیان کن، ندانم کنون، ای حبیب! که آن وعده‌ها هست، آیا قریب؟
و یا آنکه از حکمتش کردگار زمانِ درازی گذارده قرار
عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ أَحَدًا

خدا هست داننده‌ی غیب و بس نشانی نیابد ز آن، هیچ کس
إِلَّا مَنِ ارْتَضَىٰ مِنْ رَسُولٍ فَإِنَّهُ يَسْلُكُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ رَصَدًا

به جز هر که از حق بگشته، رسول خداوند، راضی از او در اصول

زِ پیش و زِ پس نیز از بهرشان مراقب بر آنها گمارده نهان
لِّيَعْلَمَ أَنْ قَدْ أَبْلَغُوا رَسُولَاتِ رَبِّهِمْ وَأَحَاطَ بِمَا لَدَيْهِمْ وَأَحْصَى كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا

﴿۲۸﴾

که تا آنکه داند رسالاتِ حق رساندند به آن اُمتِ مستحق
خداوند دارد احاطه یقین بر آنچه بداده ودیعه زِ دین
بود بی‌کم و کاست، آیاتِ ناب همه چیز آرد خدا در حساب